



آبارتچی بیدار شد

ه گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، پنج ساله بودم یا 6 ساله دقیق یادم نیست ولی خیلی سال پیش بود که گوشه‌ای از پیاده روی شلوغ در صف طولانی جلوی گیشه سینما ایستاده بودیم ...

قهرها همیشه خود خواسته نیستند. گاهی رنگ اجبار دارند و گاه دلخوری، اینجاست که اندک بهانه‌ای کفایت می‌کند برای برگشت و دادن سلامی دوباره ... دیروز جرقه‌ای بود برای این آشتی و سلام دوباره مردم تبریز به سینما.

به گزارش **خیبرگیلای فارس** از تبریز، پنج ساله بودم یا 6 ساله دقیق یادم نیست ولی خیلی سال پیش بود که گوشه‌ای از پیاده روی شلوغ در صف طولانی جلوی گیشه سینما ایستاده بودیم تا کلاه قرمزی دوست داشتنی را ببینیم. باز حوالی همان سال‌ها بود که برای فیلم آدم برفی هم ازدحام جمعیت را تحمل کردیم. تا چند سال بعد هم پنجشنبه‌هایمان گره خورده بود با سالن‌های سینما ولی دیگر از آن صف‌های طولانی و اشتیاق مردم خبری نبود. خیلی نگذشت که ما هم یکی از آن مردم شدیم و قرار آخر هفتگی خانوادگیمان از سینماها برچیده شد. بیست سالی از آن روزها می‌گذرد. حالا دیگر سینماهای تبریز کارکرد اصلی خود را از دست داده‌اند و تنها وجه دنج و پاتوق ماندنی برای نوجوانان پیدا کرده‌اند. خانواده‌ها هم ترجیح می‌دهند جای این سالن‌ها نمود، گوشه دنج خانه‌هایشان بنشینند و فیلم دلخواه‌شان را با صدا و کیفیت واضح‌تری تماشا کنند. پای حرف کارشناسان که بنشیننی علت قهر شهروندان تبریزی با سینماها را وضعیت نامناسب و غیراستاندارد سالن‌های سینما عنوان می‌کنند. سینماهایی که صندلی‌های زوار در رفته‌شان جای مناسبی برای نشستن نیست و آپارات‌های قدیمی‌اش به سختی نفس می‌کشند. کیفیت تصویرش گریه‌آور است و برای شنیدن دیالوگ‌های فیلم باید گوش‌های خیلی تیزی داشته باشی تا نواها را تشخیص دهی. عده دیگری از کارشناسان هم دلیل رویگردانی مردم تبریز از سینما را کلی‌تر عنوان کرده و ضعف محتوایی فیلم‌ها را دلیل این بد اقبال می‌دانند. ولی 10 بهمن دیروز 92 انگار آمده بود تا تمام این استدلال‌ها را زیر سؤال ببرد. روز «سلام سینما» یا به بیانی دیگر «روزی که سینما رفتن رایگان بود». نگاهی به سر در سینما می‌اندام. فیلم‌های هر 2 پرده چیز زیاد دندان‌گیری نیست. یعنی هیچ کدام از آن فیلم‌های پر سر و صدای جشنواره‌ای نیستند. همین نشان می‌دهد امروز برای مخاطبان نوع و کیفیت فیلم اهمیت زیادی ندارد. به سختی از میان آدم‌ها راهی باز می‌کنم. این در حالی است که نمی‌دانم از قضای روزگار است یا چه، 10 بهمن روزی بود که اداره برق تبریز هم سر شوخی‌اش باز شد و برق مناطق مختلف شهر از جمله محدوده مربوط به سینماها از صبح تا نزدیکی‌های بعد از ظهر در رفت و آمد بود. مسئول باجه بلیط سینما 29 بهمن تبریز می‌گوید: «شاید به جرات بتوان گفت امروز نزدیک به 10 هزار نفر تماشاگر داشتیم. از ساعت 10 صبح مردم پشت در سینما صف کشیده بودند ولی چون برق نبود مجبور شدیم با یک ساعت و نیم تأخیر درها را باز کنیم. حین پخش فیلم هم با فاصله‌های کم برق‌ها هر بار به مدت 20 دقیقه قطع می‌شد. ولی حتی این قطع و وصلی‌ها هم باعث نمی‌شد مردم پراکنده شوند و همچنان سالن پر از جمعیت بود.» وی ادامه می‌دهد: «حتی در روز سینما هم که هر سال سینما رفتن مجانی می‌شود، باز هم اینقدر استقبال نیست. این بار اطلاع‌رسانی خوبی انجام شده است. ازدحام و هجوم جمعیت امروز به اندازه‌ای بود که در شیشه‌ای ورودی سینما شکسته شد.» نکته جالب دیگری که در این روز اتفاق افتاده آشتی و آمدن دوباره خانواده‌ها به سینماست. خانواده‌هایی که سال‌ها بود دسته جمعی به این محیط نمی‌آمدند. از خانواده پنج نفره‌ای که ظاهراً جایی برای نشستن پیدا نکرده‌اند و بیرون از سالن منتظر ایستاده‌اند می‌پرسم چطور شد که امروز را برای سینما آمدن انتخاب کردید؟ پاسخ را می‌توانم حدس بزنم که مادر خانواده می‌گوید: خب فقط امروز رایگان بود و باید از این فرصت استفاده می‌کردیم. اگر روز دیگری می‌آمدیم باید فقط برای هزینه بلیط چیزی حدود 15 هزار تومان هزینه می‌کردیم. هر چند باید قبول کرد هزینه بلیط 2 هزار و 500 تومانی برای قشر زیادی از مردم قابل پرداخت نیست ولی نمی‌توان این را دلیل اصلی بی‌ رغبتی‌ها دانست چراکه بین هزینه‌های ریز و درشت زندگی ماهی یک بار سینما رفتن حفره بزرگی در چرخه اقتصادی خانواده‌ها ایجاد نمی‌کند. ورودی سینما فلسطین هم در برابر جمعیت انبوه سر خم کرده است. صندلی‌های این سینما هم قرار است بعد از سال‌ها خاک خوردگی دوباره میزبان مردمانی باشند که دنبال بهانه‌های کوچک خوشی می‌گردند. تعداد جمعیتی که ایستاده فیلم را تماشا می‌کنند هم دست کمی از نشسته‌ها ندارد. ولی این تمام ماجرا نیست. با وجود اینکه بدون استثنا همه کسانی که در این روز پا به سینما گذاشتند با انگیزه‌های مادی و ساختن یک آخر هفته رایگان آمده بودند ولی خیلی سینما دوست‌های دیگر هم بودند که حتی این تخفیف‌ها و چراغ سبزه هم نتوانست یخ غریبی‌شان را بشکند. محمد طاهری جوانی است که دلخوشی از سالن‌های متروکه سینماهای تبریز ندارد، می‌گوید: متأسفانه سینماهای تبریز امکانات رفاهی خوبی ندارند و این مهم‌ترین عامل ناتوانی سینماها در جذب مخاطب است. صندلی‌های شکسته و کهنه، تصویر کدر و سیستم صوتی بسیار ضعیف سینماهای تبریز هر مخاطبی را برای همیشه از خود فراری می‌دهد. در کنار این‌ها رواج برخوردهای سطحی و نامحرمانه در سینماهای تبریز بیداد می‌کنند آنقدر که در طول مدت پخش فیلم نور چراغ قوه در چشم تماشاگر گرفته می‌شود تا وضعیت وی کنترل شود. تبریزی‌ها از داشتن چنین سینماهایی واقعاً احساس خجالت می‌کنند و در صورتی که میهمانی از استان‌های دیگر داشته باشند، به هر نحو ممکن آن‌ها را از دیدن فیلم در این سینماها منصرف می‌کنند. «نبود سینمای کافی و مناسب با استانداردهای روز در تبریز معضلی است که در سال‌های اخیر صحبت‌های زیادی در مورد آن شده ولی متأسفانه با تمام تلاش‌های صورت گرفته از سوی رسانه‌ها برای این اوضاع نابسامان کنونی، هیچ اقدامی انجام نشده است. در شهری مثل تبریز که انتخاب‌های تفریحی زیادی ندارد و تمام گزینه‌ها در نهایت به فست‌فودها و چرخ‌زدن در مرکز خریدها ختم می‌شود، شاید ساده‌ترین گزینه‌ای که می‌توان فراهم کرد آشتی شهروندان با رسم نه چندان قدیمی سینما روی باشد. ارائه تسهیلات برای میزبانی مردم در سینماها، داشتن روزها و سانس‌های نیم بها همانند سینماهای پایتخت، تسهیلات نیم‌بها برای دانشجویان و هنرمندان از جمله اقداماتی است که می‌توان از طریق آن مخاطب را با سینما آشتی داد و به نوعی عادت و فرهنگ سینما رفتن را به شهروندان آموخت. ===== نگارنده: سحر فکردار =====